[هجر فاطمه س؛ حرام یا واجب؟]

می گوییم: فرض میگیریم که حضرت فاطمه (س) معصوم نبودند ، اما معصوم نبودن از خطا و اشتباه غیر از ارتکاب گناه و فسق شرعی است ، آیا حاضر بودند آشکارا عمل حرام شرعی انجام دهند؟!

چرا با این که شما میگویید سخن ابوبکر در نقل روایت از پیامبر را شنیدند، با او قهر کردند در حالی که قهر کردن با مؤمن بیش از سه روز میگویید حرام شرعی است؟

آیا (نعوذ بالله) حضرت حاضر به ارتکاب این حرام شرعی شدند یا این که به تمام تاریخ اعلان کردند که با توجه به آنچه پیش آمد ، قهر من با ابوبکر نه تنها حرام نبود بلکه وظیفه شرعی من بود؟

و هر كس شنيد، چاره اى ندارد جز اين كه يا انتخاب كند من را و يا آن كس كه من تا آخر با او قهر بودم[1].

---

[1] می‌توان گفت که ماجرای حضرت زهرا پرونده ای است مفتوحه به وسعت تاریخ و حضرت با شکل دادن این دوراهی، همگان را در طول تاریخ مجبور به انتخاب کرده‌اند؛ امری که خود معیار و میزان خوبی است برای محک زدن مواالت و ارادت واقعی به حضرات معصومین.

در طول تاریخ، کسانی از علمای اهلسنت بوده‌اند که به واسطه بیان برخی از حقائق از سوی همفکران خود متهم به رفض و تشیع می‌شده‌اند، ترفندی که ابزار را به ظاهر از دست طرف مقابل می‌گرفت تا نتوانند به کلام او و روایات او تمسک کنند. نمونه بارز این اتهامات، ابن ابی الحدید معتزلی است که گرچه به روشنی عامی مذهب است اما در سایتها و کتب به‌صورت مکرر شیعه می‌خوانند و حتی گاهی برای ابطال سخنان شیعیان به کلمات او به‌عنوان یک شیعه تمسک می‌کنند.

اما از جمله شواهد روشن بر بطلان این مدعا، همین محکمه است. ابن ابی الحدید در ذیل نامه امیرالمؤمنین به عثمان بن حنیف، بحث فدک را پیش می‌کشد و در نزاع حضرت فاطمه سلام الله علیها با ابوبکر می‌گوید:

در ابتدا باید اعتراف کرد که فاصله زمانی ما از چنین واقعه ای کار قضاوت را بر ما دشوار بلکه دست نیافتنی می سازد.ما در این تردید نداریم که فاطمه سلام الله علیها ناراضی از خلفا از دنیا رفته است و وصیت کرده است که آن ها بر وی نماز نخوانند،اما از سوی دیگر در تقوا و دیانت خلفا شکی نداریم پس می گوییم آن ها نیز نه از سر بی تقوایی بلکه به سبب ترس از وقوع فتنه در جامعه نوپای اسلامی دست به چنین عملی زدند.این قبیل امور باعث نمی شود که ما از حسن ظن خود به آنان دست بکشیم.در نهایت می گوییم اگر در این ماجرا نسبت به حضرت زهرا

سلام الله علیها گناهی صورت گرفته باشد صغیره ای است که سبب نمی شود از ابوبکر اظهار برائت کنیم:

و الصحيح عندي أنها ماتت و هي واجدة على أبي بكر و عمر و أنها أوصت ألا يصليا عليها و ذلك عند أصحابنا من الأمور المغفورة لهما و كان الأولى بهما إكرامها و احترام منزلها **لكنهما خافا الفرقة و أشفقا من الفتنة ففعلا ما هو الأصلح بحسب ظنهما و كانا من الدين و قوة اليقين بمكان مكين لا شك في ذلك** و الأمور الماضية يتعذر الوقوف على عللها و أسبابها و لا يعلم حقائقها إلا من قد شاهدها و لابسها بل لعل الحاضرين المشاهدين لها يعلمون باطن الأمر فلا يجوز العدول عن حسن الاعتقاد فيهما بما جرى و الله ولي المغفرة و العفو **فإن هذا ولو ثبت أنه خطأ لم يكن كبيرة بل كان من باب الصغائر التي لا تقتضي التبرؤ و لا توجب زوال التولي**.(شرح ابن ابی الحدید،ج۶،ص۵۰)

اما این حکم نهایی نیست.در جای نزد استادش ابوجعفر علوی سخن از زینب دختر پیامبر می رود و این که او برای آزادی همسرش که در جنگ بدر اسیر مسلمانان شده بود گردنبند خدیجه کبری را به عنوان فدیه نزد مسلمانان می فرستد.پیامبر با دیدن گردنبند جناب خدیجه منقلب می شوند و از مسلمانان می خواهند که اسیر زینب آزاد و گردنبند او نیز نزد او فرستاده شود.

ابوجعفر به مناسبت این داستان می گوید:آیا ابوبکر و عمر شاهد این صحنه نبودند؟آیا منزلت فاطمه زهرا نزد رسول خدا بیش از خواهرش زینب نبود؟آیا اقتضای کرم و احسان این نبود که شیخین قلب فاطمه زهرا را به فدک خوشنود سازند و از مسلمانان بخواهند که از حق خود در آن بگذرند؟

این جاست که ابن ابی الحدید جانب ابوبکر را می گیرد و می گوید فدک به موجب روایتی که ابوبکر نقل کرده بود حق تمامی مسلمانان بود و او حق نداشت آن را به فاطمه سلام الله علیها ببخشد.

قلت قرأت على النقيب أبي جعفر يحيى بن أبي زيد البصري العلوي رحمه الله هذا الخبر فقال أ ترى أبا بكر و عمر لم يشهدا هذا المشهد أ ما كان يقتضي التكريم و الإحسان ان يطيب قلب فاطمة بفدك و يستوهب لها من المسلمين فقلت له **فدك بموجب الخبر الذي رواه أبو بكر قد صار حقا من حقوق المسلمين فلم يجز له أن يأخذه منهم**

او در پایان در نقش یک مصلح ظاهر شده درصدد صلح بین طرفین برمی آید و کلام قاضی القضاه را نقل می کند که عمل شیخین اگر چه از منظر کرامت انسانی پسندیده نبود اما از لحاظ دینی کاری نیک انجام دادند.

فقلت له قد قال قاضي القضاة أبو الحسن عبد الجبار بن أحمد نحو هذا قال **إنهما لم يأتيا بحسن في شرع التكرم و إن كانا قد أتيا حسنا في الدين**.(همان،ج۱۴، ص ۱۹۱)

در مقامی دیگر، قاضی عبدالجبار معتزلی در پاسخ به این که چرا زهرا سلام الله علیها شبانه دفن شد، پس از ذکر دلایلی چند در پایان این گونه می گوید که اساساً دفن شبانه برای زنان پوشیده تر و به سنت نزدیک تر است!**بل الأقرب في النساء أن دفنهن ليلا أستر و أولى بالسنة**.(شرح نهج البلاغه،ج16،ص271) کسانی که با رویه ابن ابی الحدید آشنایند، می دانند که او جمله جمله کلام سید مرتضی ره را نقد می کند اما به این عبارت قاضی که می رسد، در مقابل این سخن سکوت می‌کند.

بازبینی #2
ایجاد شده 24 فوریه 2025 16:51:52 توسط ... .

به روزرسانی شده 25 فوریه 2025 09:46:01 توسط ... .